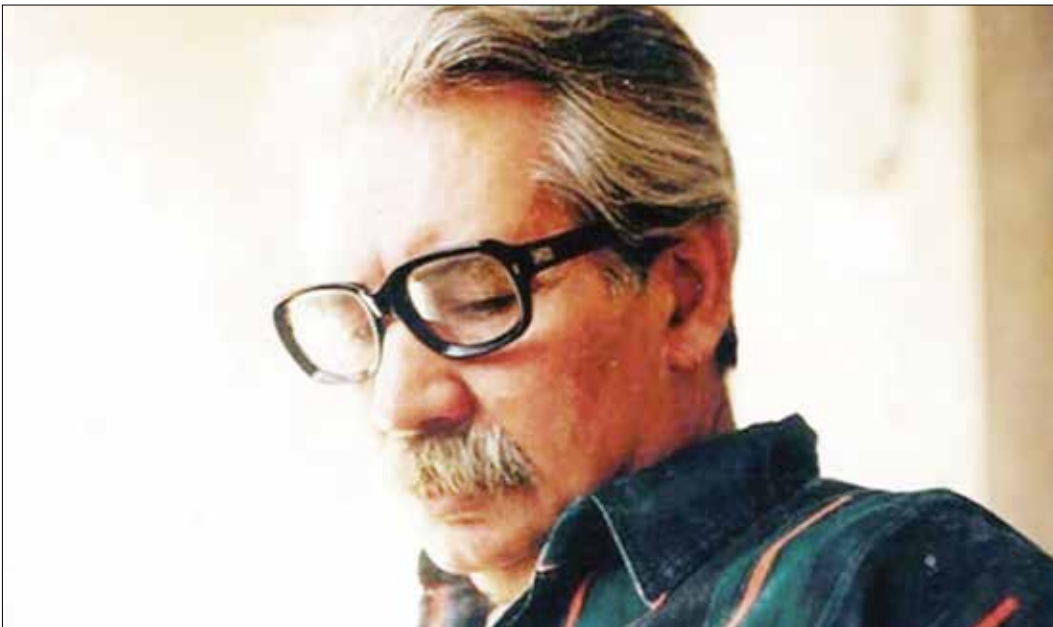


گزارش از خاک ایران

نگاهی به زمین سوخته اثر ماندگار زنده‌یاد احمد محمود



شعبان» و همسرش نمود پیدا می‌کند و گاه به یاد پروتاریایی که در حرکت‌های انقلابی «ننه باران» و «محمد مکانیک» بروز می‌یابد.

تجربیات نویسنده «زمین سوخته» و مواجهه از نزدیکش با جنگ در خلق این شخصیت‌ها، بی‌تأثیر نیستند. محمود چنان دقیق مقایسه‌های شخصیتی آدم‌های رمانش را تنظیم کرده است که تو گویی آن‌ها را از نزدیک می‌شناسد و سال‌ها با آن‌ها هم‌شهری و هم‌محله‌ای بوده است.

در واقع تجربه نفس کشیدن در شهری جنگ‌زده و لمس از نزدیک بمباران و آژیر قرمز و هراس از مرگ، توانسته است منجر به خلق اثری شود که مخاطب می‌تواند با آن هم‌ذات‌پنداری کند. بدون شک، تجربه زیسته از مهم‌ترین سرمایه‌های نویسنده به شمار می‌آید.

«زمین سوخته» و ادبیات ضدجنگ

جنگ همواره یکی از سوزنده‌های قابل توجه در ادبیات و هنر بوده است. نویسندگان بسیاری پس از حضور در جنگ‌های مختلف و تجربه و لمس جنگ با تمام ابعادش، مهم‌ترین آثارشان را با محوریت جنگ خلق کرده‌اند. آثاری که در آن‌ها سعی کرده‌اند چهره واقعی و کربیه جنگ را به جهان نشان دهند. ابعاد خشونت‌بار و وحشیانه جنگ که مفهوم انسانیت را زیر سوال می‌برد و ارزش‌های انسانی را از معنا ساقط می‌کند،

توصیف و ریتم بازنمایی کرده است. به بیانی کامل‌تر، حس تنش و اضطراب به وسیله جملاتی که بین شخصیت‌ها ردوبدل می‌شود، در کنار کنش‌ها و واکنش‌های آنان در شرایط نامطلوب و به کمک توصیف به‌اندازه و ضرب‌آهنگی که به موقع کند می‌شود و به موقع شدت می‌گیرد، به مخاطب منتقل می‌شود و در فضا سازی نقش پررنگی ایفا می‌کند.

احمد محمود در «زمین سوخته» شهری متعجب و شوکه‌شده از جنگ را روایت می‌کند که با چالش‌های عمیقی دست‌وپنجه نرم می‌کند. او با خلق شخصیت‌هایی که ویژگی‌های منحصر به فردی دارند، در کنار تیپ‌های مختلف از جامعه، حضور طیف‌های مختلف اجتماعی را در جریان جنگ، بازنمایی کرده است. مردم «زمین سوخته» آدم‌های معمولی‌ای هستند که تا یک روز قبل از شروع جنگ، زندگی‌های معمولی‌ای داشتند اما با شلیک اولین گلوله همه‌چیز، حتی خلق و خوی‌شان، دست‌خوش تغییر شد.

در توصیفات گزارش‌گونه راوی از اهواز درگیر جنگ، انواع تیپ‌های شخصیتی دیده می‌شوند. از رزمنده بسیجی گرفته تا پزشک متعهد و بقال منفعت‌طلب و دزدان غارت‌گر. محمود در آفرینش و توصیف هر یک از این شخصیت‌ها مخاطب را به یاد گروه‌های مختلف اجتماعی می‌اندازد. گاه به یاد عاقبت‌طلبی بورژوازی که در «کل

لادن عظیمی

روزنامه‌نگار

«درد من این بی‌حسی، بی‌تفاوتی مناطق دور از جنگ بود. دلم می‌خواست لااقل مناطق دیگر مملکت ما بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. همین فکر وادارم کرد که بنشینم زمین سوخته را بنویسم.» این جمله را «احمد محمود» درباره انگیزه‌اش از نوشتن رمان «زمین سوخته» گفته است. در حقیقت «زمین سوخته» حاصل تجربیات شخصی این نویسنده اهوازی از روزهای جنگ است. زمانی که سه ماه نخست جنگ ایران و عراق را از دل شهر اهواز بازنمایی می‌کند. «زمین سوخته» از دل گفت‌وگوها و گمان‌ها و هراس‌های یک خانواده نسبتاً پرجمعیت شروع می‌شود. سپس به کنج زیرزمینی که جان‌پناه خانواده است، کشیده شده و در نهایت وارد کوچه‌ها و خیابان‌های اهواز می‌شود.

ما در این کتاب با یک روایت واقع‌گرایانه از جنگ روبه‌رو هستیم. روایتی از آن بخش از جنگ که در دل خاکی‌ها اتفاق نمی‌افتد، بلکه شکل یک‌طرفه‌ای از جنگیدن است. جنگیدن صاحبان قدرت و اسلحه با مردمی بی‌سلاح و بی‌دفاع.

نویسنده فضای رعب و وحشت حاکم بر شهر را به بهترین شکل با دو ابزار

«سفر به گرای ۲۷۰ درجه»



«احمد دهقان» را به‌واقع می‌توان مهم‌ترین نویسنده جنگ ایران و عراق دانست؛ نویسنده‌ای که آثار بسیاری در این حوزه به رشته تحریر درآورده است. گواهی این

ادعا دو موضوع است. نخست این‌که او آثار بسیار خوبی را در این حوزه نوشته و دوم اینکه دهقان به جز مقوله جنگ، به موضوع دیگری نپرداخته است. یکی از آثار ماندگار او در این حوزه، «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» است؛ رمانی که به سبکی خاص و با روایتی عمیق از جنگ توانست مورد توجه قرار بگیرد و جوایز متعددی را چون جایزه ۲۰ سال داستان‌نویسی، جایزه چهارمین دوره انتخاب کتاب سال دفاع مقدس و... را از آن خود کند.

«شترنج با ماشین قیامت»



نگارش اثری داستانی درباره هشت سال دفاع مقدس وقتی از جانب نویسنده‌ای صورت گیرد که خود عضوی از خانواده خون‌گرم شهرهای جنوبی

است، رنگ‌و‌لعاب دیگری پیدا می‌کند. «حبیب احمدزاده» یکی از همین نمونه‌هاست. او در رمان «شترنج با ماشین قیامت» حوادث سه روز از محاصره آبادان به دست نیروهای عراقی را بازگو کرده و به وقایع و رخدادهای جنگ می‌پردازد. قهرمان این رمان، دیده‌بان نوجوان ۱۷ ساله‌ای است که به ناچار به جای دوست مجروحش، راننده ماشین حمل غذا می‌شود.

«پل معلق»



محمدرضا بایرامی در «پل معلق» بخشی از داستان زندگی سربازی به نام نادر صدیق را که عضو پدافند نیروی هوایی است، روایت می‌کند؛ سربازی که در نیمه

خدمت، پدر، مادر و خواهرش را از دست می‌دهد و به دلیل آنکه خود را در مرگ آن‌ها مقصر می‌داند، به دنبال فرار از گذشته است و این چنین داستانش با جنگ گره می‌خورد. کشمکش درونی انسان و جدال با افکار درونی، از ویژگی‌های بارز «پل معلق» است که نویسنده به خوبی توانسته از پس نگارش آن برآید و مخاطب را درگیر این جدال کند.